

۶ نکته در خصوص مذاکرات هسته‌ای در یادبود مهدی مطلبی

پناهیان: دشمن از این مذاکرات، هدفی جز یورش و نابوی ما ندارد/ با توجه به تاریخ، بعد از هر توافقی باید آماده حضور در جبهه‌ها باشیم/ بعد از پذیرش قطعنامه، جنگ تمام نشد، بلکه دشمن به ما حمله کرد! / اگر مجلس محکم عمل کند، یقیناً دشمن کوتاه خواهد آمد/ برخی خیال جام زهر دارند، ولی شرایط فرق کرده - قدرت نهفته در مردم بسته به اشاره رهبرست

در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

آقای مطلبی جان خود را در مسیر روشنگری و نقد جریان مذاکرات قرار داد

- در جلسه یادبود آقای «مهدی مطلبی» که یک مجاهد روشن‌گر است، باید به موضوع کار او و چیزی که او جان خودش را در این مسیر قرار داد، نیز بپردازیم و آن هم موضوع مذاکرات هسته‌ای است. کسی که به مجلس آقای مطلبی می‌آید، باید گفت و شنودی درباره مذاکرات داشته باشد، چون مجلس او مجلس کسی است که جان خود را در مسیر روشنگری و نقد جریان مذاکرات قرار داده است. نمی‌شود انسان به این مجلس بیاید ولی درباره مذاکرات، چیزی به زبانش جاری نشود.
- مذاکرات هسته‌ای چالشی است که پیش روی ملت ما قرار داده شده و یک امتحان الهی است که از جامعه ما گرفته شده است. باید از ابتدا تا انتها، یک نگاه عمیق به این مذاکرات داشته باشیم. در اینجا می‌خواهیم چند جمله‌ای درباره این نگاه عمیق و علت این حساسیتی که مرحوم مطلبی داشتند، بیان کنیم تا یک مقدار حق مطلب را ادا کرده باشیم.

نکته ۱) وجود دشمن را باور کنیم! / برخی اساساً وجود دشمن را منکر هستند! / در این ۳۵ سال، کمترین

اقدامات فرهنگی ما ناظر به دشمن‌شناسی بوده

- نکته اول درباره مذاکرات، «باور کردن دشمن» است؛ ما یک واقعیت را باید بپذیریم و آن هم اینکه «ما دشمن داریم» متأسفانه برخی از افراد نادان و ساده‌اندیش - البته اگر بیمار نباشند و مغرضانه این‌گونه نباشند - وجود دشمن را باور نمی‌کنند. می‌گویند: «اصلاً چرا شما به آمریکا می‌گویید: دشمن! اصلاً چرا شما این‌قدر تعبیر دشمن به کار می‌گیرید!» واقعاً جز حماقت چه اسمی می‌شود روی این گذاشت؟!
- بعضی‌ها اساساً وجود دشمن را منکر هستند. متأسفانه در این ۳۵ سال نیز، کمترین اقدامات فرهنگی ما ناظر به دشمن‌شناسی بوده است. نینید که ما حزب‌اللهی، مذهبی و اهل‌بیتی هستیم؛ متأسفانه دشمن‌باوری و دشمن‌شناسی ما بسیار ضعیف است. و تاکنون هم بار دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری ما را خود دشمنان ما به دوش کشیده‌اند؛ یعنی آن‌قدر جنایت کرده‌اند و به جنایت‌های درشت دست زده‌اند که نشده است ما دشمنی آنان را فراموش کنیم و الا خیلی‌ها دوست داشته‌اند که دشمنی آنها را فراموش کنیم.

جامعه‌ای که این‌قدر دشمن دارد، باید هفته‌ای یک فیلم و سریال در موضوع دشمن‌شناسی داشته باشد/ آیا

پرداخت به دشمن روحیه‌ها را ضعیف می‌کند؟

- دشمنان ما آن‌قدر خبیث بوده‌اند و آن‌قدر جنایت‌کار و خباثت‌آمیز رفتار کرده‌اند که - الحمدلله - نشده است ما دشمن را فراموش کنیم و الا دستگاه‌های فرهنگی در کشور ما به قدر کافی در این زمینه تلاش کرده‌اند که ما در دشمن‌شناسی ضعیف باشیم. جامعه‌ای که

به اندازه جامعه ما دشمن دارد، باید هفته‌ای یک فیلم یا سریال سرگرم‌کننده در شبکه‌های مختلف تلویزیون در موضوع دشمن‌شناسی داشته باشد.

- بعضی‌ها فکر می‌کنند که پرداختن به موضوع دشمن، روحیه‌ها را ضعیف می‌کند! اتفاقاً خیلی هم روحیه را شاد می‌کند؛ چون ما الان در زمینه درگیری با دشمن، مدام داریم پیروز می‌شویم. ما ۳۰ سال است که داریم رو به جلو حرکت می‌کنیم. غربت ما در دوران دفاع مقدس، با الان قابل مقایسه نیست. حتی غربت ما نسبت به ۱۰ سال پیش هم قابل مقایسه نیست.
- متأسفانه نهادهایی که نان انقلاب اسلامی را می‌خورند، در این زمینه بسیار مقصر هستند. انسان وقتی می‌بیند که این نهادها این‌گونه ضعیف عمل می‌کنند، دیگر از بقیه چه انتظاری دارد؟! نهادهایی که بعد از انقلاب تأسیس شده‌اند و مأموریت‌شان این است که اسلام انقلابی را تبلیغ کنند؛ اما می‌بینید که کمترین کارها و فعالیت‌های شایسته در زمینه دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری در پرونده آنها هست.

الان در فضای بعد از بیانیه توافقی، خیلی‌ها دوست دارند بر طبل «ندیدن دشمن» بیشتر بکوبند

- این دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری - اولین موضوعی است که باید حل شود. اتفاقاً الان که در فضای بعد از بیانیه توافقی هستیم - چون هنوز نمی‌شود گفت «توافق» - خیلی‌ها دوست دارند بر طبل حذف دشمن و ندیدن دشمن، بسیار بیشتر بکوبند! لذا خیلی باید به این موضوع حساس بود.
- کسی که نسبت به دشمن خواب باشد، طبیعتاً زیر لگدهای دشمن از این خواب بیدار خواهد شد. (امیرالمؤمنین(ع): مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ؛ غررالحکم/۸۶۷۲) و (مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوَطْأَةِ عَدُوِّهِ؛ غررالحکم/۸۶۷۳) آن‌هم در این زمانی که می‌بینید دشمنان ما در اطراف ما چقدر دندان تیز کرده‌اند!

سه تفاوت دشمنی‌های فعلی علیه ما، با شرایط دفاع مقدس / دشمن دارد «تمام مرزهای ما» را تهدید می‌کند

- (۱) دشمنان ما الان دوست دارند فضایی را برای کشور ما ایجاد کنند - دارند اقدامات لازم را در این زمینه انجام می‌دهند و مقدماتش را فراهم می‌کنند به حدی که هر روز در این باره یک خبر می‌شنویم - و دارند کاری می‌کنند که دیگر شما شبیه دوران دفاع مقدس درگیر نباشید؛ بلکه خیلی بیشتر درگیر باشید.
- در دوران دفاع مقدس، اگر صدام می‌خواست شهرهای ما را بزند، یک مقدار به خودش می‌پیچید، و بعداً می‌زد! بعد هم توجیه می‌کرد که چرا یک شهر ما را هدف قرار داده است، و چرا مردم بی‌پناه و بی‌گناه را مورد حمله قرار داده است. اما دشمنانی که الان توسط دول استکباری دارند در اطراف ما چیده می‌شوند، اساساً نذر کرده‌اند دانه دانه زن و بچه‌های ما را بی‌گناه بکشند! این اصلاً جزء ایمان و دین تحریف‌شده آنهاست!
- (۲) ضمن اینکه دیگر مثل دوران دفاع مقدس نیست که صدام عضوی از سازمان ملل باشد و لاقلاً به برخی از مقررات بین‌المللی مقید باشد. الان دیگر با آن دشمن مواجه نیستیم، بلکه با یک دولت خودساخته و یک دین تحریف‌شده‌ای مواجه هستیم که هیچ‌کسی نمی‌تواند جلودار او باشد.

- (۳) تفاوت دیگری که مهمتر از دو تفاوت قبلی است، این است که این جریانی که دشمنان دارند در اطراف ما و برای یورش آوردن به ما می‌چینند، تمام مرزهای ما دارند تهدید می‌کنند؛ افغانستان از یک‌طرف، پاکستان از یک‌طرف، و عراق از یک‌طرف. اصلاً دارند لشکرسازی می‌کنند. و در مسیر لشکرسازی‌های خودشان دارند جریان تکفیری‌ها را یکپارچه می‌کنند.
- در چنین شرایطی خیلی حماقت است که انسان فعالیت‌های نظامی دشمنان خودش را که تحت حمایت استکبار هستند، در اطراف خودش ببیند و بعد دشمن‌شناسی را یک موضوع فرعی قرار دهد و به دشمن‌باوری نپردازد.

نکته ۲) ما داریم با «دشمنان خود و بشریت» مذاکره می‌کنیم / ما با بزرگترین دروغ‌گویان تاریخ بشر مذاکره می‌کنیم

- نکته دوم درباره مذاکرات این است که ما داریم با «دشمنان خودمان» مذاکره می‌کنیم. ما با کشورهای قدرتمند مذاکره نمی‌کنیم، بلکه با دشمنان خودمان و دشمنان بشریت مذاکره می‌کنیم. اینکه ما آنان را دشمن خود ندانیم، نه تنها حماقت است، بلکه تحمیق جامعه است که آنان را با تعابیری غیر از «دشمن» یاد کنیم.
- البته اشکالی ندارد که انسان با دشمنان خودش مذاکره کند. ولی لاف‌باز باید این را بگویم که: «ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم» ما داریم با دزدها و جنایتکاران بین‌المللی و نمایندگان ارشد جنایتکاران بین‌المللی مذاکره می‌کنیم. ما با بزرگترین دروغ‌گویان تاریخ بشریت داریم مذاکره می‌کنیم. ما داریم با آمریکای جنایتکاری مذاکره می‌کنیم که هیچ عهده‌ی را در طول تاریخ، در مذاکرات وفا نکرده است. وقتی که ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم، معلوم است که حساسیت در جریان مذاکره با دشمن، خیلی باید بالا برود.
- در نظرسنجی‌ای که چندی پیش از مردم ما انجام داده بودند، اکثریت مردم -بالای هفتاد درصد- اعتماد نداشتند به اینکه دولت استکباری به عهد خودشان وفادار باشند. این برداشت عمومی است، نه تنها مردم ما بلکه همه مردم دنیا این را می‌دانند.
- آقای مطلبی، کسی بود که هم دشمن‌باوری و دشمن‌شناسی خوبی داشت، و هم حواسش جمع بود که ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم. و ما به این نوع نگاه‌ها نیاز داریم. این نگاه‌ها، نگاه عموم مردم ماست. برخی باید پرچم بگیرند و جلو بیفتند و از شماتت‌ها هم نباید بترسند. البته در فضای تبلیغی باید با کلام مؤثر تبلیغی، وارد عمل شوند تا به امور دیگری در عرصه سیاسی متهم نشوند.
- وقتی که شما به صحبت‌ها و روشن‌گری‌های آقای مطلبی دقت می‌کنید، می‌بینید که این فضا را در دل مخاطب بیدار می‌کند که «ما داریم با دشمن خودمان مذاکره می‌کنیم» و این سخن درستی است که باید به آن پرداخته شود.

دولتمردان اینقدر نگویند: «ما با دولت‌های بزرگ مذاکره می‌کنیم»، اینها دزدهای بزرگ هستند/دولتمردان

بیش از هرکس باید این سخن را تکرار کنند/این امتیازشان را بالا می‌برد

- مذاکره‌کنندگان ما اگر در این مذاکرات، به نتیجه مطلوب برسند، جایزه بزرگتری از جانب ملت دریافت خواهند کرد، و در تاریخ هم نام‌شان بهتر ثبت خواهد شد، چرا که «ما با کلاش‌ها و کلاهدارهای عالم مذاکره کردیم و بُردیم» و الا مذاکره کردن با یک آدم منصف، و رسیدن به حق خود، که هنر نیست. دولتمردان ما بیش از هر کسی باید بر مستکبر بودن و متفرعانه عمل کردن

دشمنان، تأکید بورزند، این امتیازشان را بالا می‌برد. نباید این قدر بگویند: ما با دولت‌های بزرگ داریم مذاکره می‌کنیم؛ اینها فقط دولت‌های بزرگ نیستند، بلکه اینها دزدهای بزرگ هستند.

- دولتمردان ما بیشتر از بدنهٔ مردم و بیشتر از انقلابیون، باید این سخن را تکرار کنند. آنها وقتی که این سخن را تکرار کنند، بسیاری از عوارض سوئی که ممکن است متوجه این ملت شود را خواهند کاست.

نکتهٔ ۳) هدف ما و هدف دشمن ما از مذاکره چیست؟/ هدف واقعی ما از مذاکرات، تأمین منافع مان است

- نکتهٔ بعدی که باید در مذاکرات، به آن توجه کنیم این است که «ما اگر داریم مذاکره می‌کنیم، چه هدفی داریم و دشمنان ما از این مذاکره چه هدفی دارند؟» بنده تعجب می‌کنم که چرا این مسأله به روشنی گفته نمی‌شود؟ این را می‌توان بر اساس مستندات بیان کرد.
- هدف واقعی ما از مذاکرات، تأمین منافع مان است. پنهان کاری در این طرف وجود ندارد. این هدف روشن ماست و همهٔ ما این را می‌خواهیم. ما هرچقدر با زخم کمتر، در این میدان پیروز شویم، عاقلانه‌تر، هوشمندانه‌تر و بهتر است. ما همان طوری که جنگ را ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم، مذاکره را هم ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم و در هر دو حالت، می‌خواهیم از خودمان دفاع کنیم. این یک روی سکه است.

هدف دشمنان از مذاکرات نابودی ماست/ گاهی این هدف را علنی بیان می‌کنند

- اما باید دید که دشمنان ما با چه هدفی دارند مذاکره می‌کنند؟ آیا دشمنان ما واقعاً برای اینکه جهان را امن‌تر کنند، دارند مذاکره می‌کنند؟ آنها اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که داعش را نمی‌ساختند! دشمنان ما اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که این قدر از اسرائیل خون‌آشام دفاع نمی‌کردند و این قدر خودشان مستقیماً جنایت نمی‌کردند! پس دشمنان ما در این مذاکرات، دنبال چه هدفی هستند؟ آنها به دنبال نابود کردن ما هستند.
- دشمنان ما سر میز مذاکره نشسته‌اند که این مذاکره به نابودی ما بینجامد، ولی ما سر میز مذاکره نشسته‌ایم که به دفاع از خودمان بپردازیم. باید حواس مان باشد که آنها هدفشان این است که با این مذاکره ما را نابود کنند. آنها پیش خودشان این را می‌گویند و گاهی نیز این را علنی بیان می‌کنند. مثلاً آنها چنین عبارتهایی را می‌گویند: «ما می‌خواهیم با این مذاکره، توان نظامی ایران را به گونه‌ای تضعیف کنیم، تا وقتی به آنها حمله کردیم، بتوانیم پیروز شویم!» یعنی خودشان علناً می‌گویند در این مذاکرات-که ظاهراً دربارهٔ مسائل هسته‌ای است- در واقع دارند با هدف نابودی ما مذاکره می‌کنند.

صدام هم وقتی در جبهه متوقف می‌شد، تقاضای مذاکره می‌کرد/ بعد از پذیرش مذاکره، صدام به جای خرمشهر قصد تهران کرد!

- واقعیت مذاکره این است که ما داریم برای دفاع از خودمان مذاکره می‌کنیم، ولی آنها دارند برای تسلط بر شریان‌های حیاتی ما، تضعیف ما و نابود کردن ما مذاکره می‌کنند.
- صدام وقتی که در جبهه‌ها نمی‌توانست پیشروی کند، مدام طلب مذاکره می‌کرد. ولی حضرت امام(ره) قبول نمی‌کرد. وقتی که امام(ره) مذاکره را قبول کرد، معلوم شد که صدام برای چه از مذاکره دم می‌زد! تا امام(ره) قطعنامه را قبول کرد، صدام نیروهای

شومی را با پشتیبانی‌های سنگین توپخانه‌ای، موشکی و هوایی، فرستاد که به قلب تهران حمله کنند! تا وقتی که مذاکره نبوده، دنبال خرمشهر بودند، اما وقتی که ما مذاکره را پذیرفتیم، به دنبال نابودی تهران بودند. البته رزمندگان ما آنها را نابود کردند.

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ تمام نشد، بلکه دشمن حمله کرد و یورش بیشتری آورد

• معمولاً در بیان تاریخ دفاع مقدس می‌گویند: «هشت سال دفاع مقدس، منجر به پذیرش قطعنامه شد، و با پذیرش قطعنامه جنگ به پایان رسید!» در حالی که این یک دروغ بزرگ است. تاریخ دفاع مقدس را باید این‌گونه بیان کرد: «مردم هشت سال دفاع کردند و دشمن را تا حد زیادی از خانه بیرون کردند، بعد، وقتی که قطعنامه پذیرفته شد، دشمن جلو آمد و آن‌جایی را که قبلاً تصرف کرده بود و از دست داده بود، دوباره طی یک‌ماه تصرف کرد. اما بعد دوباره مردم دفاع هشت‌ساله خودشان را چند ماه دیگر ادامه دارند، و بعداً جنگ تمام شد.» واقعیت جنگ این است.

• نباید این‌طور تصور شود که: «دیدید آن دفعه، وقتی که قطعنامه را پذیرفتیم، جنگ به پایان رسید و جوان‌های کمتری از دست دادیم!» در حالی که واقعیت این است که وقتی ما قطعنامه را پذیرفتیم، بلافاصله دشمن حمله کرد و مناطق قبلی را دوباره تصرف کردند. امروز نباید کسی برای جوان‌های ما، این تاریخ را تحریف کند.

• وقتی ما قطعنامه را پذیرفتیم، دشمن یورش بیشتری آورد. وقتی عملیات مرصاد را نگاه می‌کنید، می‌بینید که داستانش چیست؟ آنها جرأت نمی‌کردند در آن زمان علیه ما عملیات انجام دهند، اما وقتی قطعنامه را پذیرفتیم، بلافاصله حمله کردند.

با توجه به تاریخ، بعد از هر توافقی باید آماده حضور در جبهه‌ها باشیم/ دشمن از این مذاکرات، هدفی جز یورش آوردن ندارد

• آنها هر چیزی را که ما بپذیریم، مقدمه نابودی ما قرار می‌دهند. لذا باید آماده باشیم. الان اگر بخواهیم از تاریخ درس بگیریم، باید بگوییم: «هر توافقی که با دشمنان مان انجام دهیم، بعدش باید برای حضور در جبهه‌ها آماده باشیم» البته این آمادگی ما ممکن است دشمن را عقب بزند، ولی باید بدانیم که دشمن از این مذاکرات، هدفی جز یورش آوردن ندارد.

• باید بدانیم که ما داریم با «دشمنان خودمان» مذاکره می‌کنیم، و هدف دشمنان ما نابودی ماست و هدف ما دفاع از خودمان است. لذا وقتی وارد مذاکره می‌شویم، باید بدانیم که همه نقشه‌های دشمن، با هدف نابودی ماست، و الا دشمن که برای دادن منافع ما نقشه نمی‌کشد و مذاکره نمی‌کند!

نکته ۴) شاید تنها فایده مذاکرات برای ما اعترافاتی است که دشمنان بعد از بیانه توافق انجام دادند/دشمن:

اگر به توافق نمی‌رسیدیم، تحریم‌ها فرو می‌پاشید

• نکته بعدی که در مذاکرات باید به آن دقت کرد، اعترافاتی است که «شاید» تنها فایده این مذاکرات برای ما باشد. شاید تنها فایده مذاکرات برای ما اعترافاتی است که دشمنان ما بعد از بیانه توافق انجام دادند، و رییس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه آمریکا به

این اعترافات تصریح کردند. شاید تنها فایده ما در مذاکرات این بود که سخنان حقی که آقای مطلبی بیان می کردند، به زبان رییس جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا جاری شد. آنها صریحاً گفتند: «اگر ما مذاکره نمی کردیم و به توافق نمی رسیدیم، تحریمها فرو می پاشید.»

- **تحریمها خودش - خودبه خود - داشت فرو می پاشید، و این را رییس جمهور آمریکا گفت. آیا این سخن درست است؟ اگر این سخن درست باشد، سیاستمداران برجسته کشور ما دو سال است که دارند اشتباه می کنند و به مردم، سخن اشتباه می گویند. حالا نکند ما با امضای خودمان آن را تثبیت کنیم؟ چون ما تا به حال مبانی تحریمها را قبول نکرده بودیم و آنها یکسویه این تحریمها را بر ما تحمیل کرده بودند. نکند نمایندگان محترم مجلس و شورای عالی امنیت ملی، یکطوری این توافق را امضا کنند که من بعد اگر قرار شد تحریمی علیه ما صورت بگیرد، با امضای خودمان باشد! چون تا به حال ما امضا نکرده بودیم، و خود به خود تحریمها داشت از بین می رفت، ولی از این به بعد دیگر از بین نمی رود، چون می گوید: «خودتان امضاء کرده اید!»**

دشمنان ما اعتراف کردند ایران کشور قدرتمندی است

- یکی دیگر از اعترافات آنها این بود که اعتراف کردند ایران کشور قدرتمندی است، نقش ایران در خاورمیانه کلیدی است و آنها دیگر نمی توانند بدون حضور قدرتمندان ایران، نفس بکشند. اعترافات سنگینی انجام داده اند، مثلاً اینکه دیگر نمی شود علم هسته ای را از ایرانیها بازپس گرفت. به زبان بی زبانی دارند می گویند که دانشمندان شان را هم کشتیم اما این سانتریفیوژها از چرخش نیاستادند!
- مردم ایران پای انرژی هسته ای ایستاده اند. هرچه مؤسسات غربی و مؤسسات نظرسنجی داخلی در طی این دو سال، از مردم نظرسنجی کردند، تیپهای مختلف مردم، مخالف این بودند که فعالیت های هسته ای تعطیل شود. شاید آنها روزانه در جریان مذاکرات، نبض افکار عمومی ملت ایران را می گرفتند که مردم ایران چه می گویند؟ و اگر مردم ما این طوری پای بحث انرژی هسته ای مقاوم نبودند، مگر آنها در مذاکرات کوتاه می آمدند؟! شما فکر می کنید آنها برای چه کوتاه آمدند؟ آنها از محبوبیت مقام معظم رهبری در ایران خبر دارند، و می دانند که وقتی ایشان یک سخنی را محکم بیان کرد، آن قدر منطبق دارد و آن قدر محبوبیت دارد که نمی شود با آن کاری کرد، لذا سر یک هفته کوتاه می آمدند.

مهمترین بُرد ما در مذاکرات، اعتراف دشمن به برخی حقایق بود / اگر کوتاه نیاییم دشمنان بیش از اینها هم کوتاه خواهند آمد

- مهمترین بُردی که در این مذاکرات صورت گرفت، این بود که برخی از حقایقی که امثال مرحوم مهدی مطلبی، در جریان مذاکرات بیان می کردند، به زبان دشمن به آن اعتراف شد و البته ما معتقدیم که سخنان درستی است. دشمنان ما الان در اوج ضعف قرار دارند. و ما الان در اوج اقتدار هستیم و مذاکرات باید مقتدرانه انجام بگیرد. اصلاً نباید کوتاه بیاییم. یقین بدانید - که اگر ما کوتاه نیاییم - دشمنان ما بیش از این هم کوتاه خواهند آمد.

اگر مجلس بندهای مشکوک را نپذیرد، دشمنان کوتاه خواهند آمد

- بنده یقین دارم که اگر مجلس شورای اسلامی در این زمینه محکم عمل کند و بندهای مشکوک این توافق نامه را نپذیرد، دشمنان ما کوتاه خواهند آمد، چون آنها در اوج ضعف هستند و خودشان به این مسأله اعتراف کرده‌اند. حتی اگر آنها هم اعتراف نکرده باشند، تمام صحنه بین‌المللی دارد این را نشان می‌دهد.
- ما در اوج اقتدار هستیم و نباید این قدرت خودمان را از دست بدهیم. اگر ما در اوج اقتدار نبودیم، سران دول استکباری این طوری برای آمدن به ایران اسلامی ما از هم سبقت نمی‌گرفتند. شما باید سخنان قبلی آنها را با این اقدامات جدیدشان مقایسه کنید. آنها ملت‌های آگاهی ندارند و الا توسط ملت خودشان به‌خاطر این مواضع متناقض - ریشخند می‌شدند.

نکته ۵) خدا هست / اصل و فرع جریان دشمنی دشمنان را خدا برای «امتحان ما» طراحی کرده

- نکته دیگر در باب مذاکرات این است که «خدا هست!» و خدا اصل و فرع جریان دشمنی دشمنان ما را خودش طراحی کرده است. خداوند می‌فرماید: من اگر می‌خواستم خودم این دشمنان را از بین می‌بردم. شاید روی همین حساب بود که قوم بنی‌اسرائیل به حضرت موسی(ع) می‌گفتند: «تو با خدای خودت بروید با دشمنان بجنگید، ما برای جنگ نمی‌آییم» (قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّذْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ مائده/۲۴) چون قوم بنی اسرائیل می‌دانستند که اگر خدا بخواهد، می‌تواند این دشمنان را از بین ببرد، کمالینکه فرعون و لشکریانش با یک اشاره عصای موسی(ع) نابود شدند. لذا می‌گفتند: چرا ما به جبهه جنگ بیاییم و خودمان را به کشتن بدهیم؟!
- اصل و فرع جریان دشمنی را خدا برای ما طراحی کرده است، منتها خدا برای چه این را طراحی کرده است؟ آیا برای این طراحی کرده است که خودش این دشمنان را از بین ببرد؟ اگر خدا می‌خواست خودش این دشمنان را از بین ببرد که اصلاً برای ما دشمن درست نمی‌کرد! خدا این دشمنان را برای ما درست کرده است که ما امتحان بدهیم.

اصل و فرع مذاکره تحت نظر خدا، برای امتحان مقاومت ماست / الان پای یک کاغذ می‌توانیم مقاومتی کنیم، که نتیجه‌اش نصرت و پیروزی جبهه حق است

- اصل و فرع مذاکره تحت نظر پروردگار عالم برای امتحان مقاومت ماست. اگر مقاومت ما در مقابل دشمن، کاسته شود خواهید دید که خدا-نعوذ بالله- چگونه ما را ذلیل و نابود خواهد کرد. آن موقع خدا رحم نخواهد داشت. اصل و فرع مذاکره و اصل و فرع دشمنی دشمنان ما (که فرعی دشمنی آنها همین مذاکره است) برای امتحان مقاومت ماست.
- تمام دشمنی‌های تکفیری‌ها که ایادی صهیونیست‌ها هستند، برای امتحان مقاومت ماست. اگر مقاومت ما کم شود، خدا چه خواهد کرد؟ و اگر ما مقاوم بایستیم، خدا چه خواهد کرد؟
- ما الان پای یک کاغذ، می‌توانیم مقاومتی کنیم، که نتیجه‌اش نصرت و پیروزی جبهه حق است. عجب صحنه‌ای درست شده است! و پای یک کاغذ می‌توانیم، ذلتی را بپذیریم که نتیجه‌اش میلیاردها ضرر و زیان است؛ نه از نظر مالی، بلکه از نظر جانی و بلکه به نهایت نابودی کشاندن امت اسلامی است.

نکته ۶) بین این مذاکره و قطعنامه ۵۹۸ تفاوت‌های فاحشی وجود دارد

- نکته آخر هم این است که در ارتباط با این مذاکره، بعضی از مقایسه‌ها با قطعنامه ۵۹۸ صورت می‌گیرد. در حالی که یک سلسله تفاوت‌های فاحشی وجود دارد که این تفاوت‌های فاحش را نباید از یاد ببریم. برخی از این تفاوت‌های فاحش را عرض می‌کنم. البته فقط به آنها اشاره می‌کنم و می‌گذرم.
- قطعنامه ۵۹۸ الان خیلی محل بحث است. در اینکه برای حضرت امام(ره) جام زهر بوده، هیچ تردیدی نیست. درباره آن نامه‌هایی که به امام نوشته شده بود و اینکه امام به چه مصلحتی این نامه‌ها را پذیرفته‌اند، خود امام(ره) بخشی از آن را بیان کرده‌اند و بخشی از آن را هم فرمودند که «بعدها خواهید فهمید». اما اینکه «این نامه‌ها ناصحیح بوده» در این هم تردیدی نیست. مثلاً به امام گفتند که «مردم دیگر جبهه نمی‌روند!» آن کسی که نوشته بود «مردم جبهه نمی‌روند» آن فرد، بعدها نگاه خودش را به مردم نشان داد و امتحان خودش را پس داد. الان به هر کسی بگویید: «چنین کسی این نظر را اعلام کرده بود که مردم به جبهه نمی‌روند» همه می‌دانند که نظر او نظر صائب و صحیحی نبوده است. همان‌طور کسی که گفته باشد: «ما پول نداریم» و کسی که گفته باشد: «ما اسلحه نداریم» این سخنان هم امروز پذیرفته نیست.
- همین الان در منطقه و در این جنگ‌های نیابتی و دفاع مقدسی که به مردم مظلوم منطقه تحمیل شده است، و حتی ستمی که به مردم غزه می‌شود، خیلی شدیدتر از دوران دفاع مقدس ماست. آیا ما آن زمان واقعاً نمی‌توانستیم، دفاع کنیم؟! یک نمونه‌اش «عملیات مرصاد» بود که مردم نشان دادند که می‌توانستند مقاومت کنند و دیدیم که چگونه به جبهه‌ها هجوم بردند. آن نامه‌ها و تحلیل‌هایی که به امام داده شد، تحلیل صحیحی نبود، ولی از یک حقایق حکایت می‌کرد که امام(ره) به خاطر آن حقایق، قطعنامه را پذیرفتند و تعبیر جام زهر را به کار بردند.

آیا ممکن است در این مذاکرات، ضعفی صورت بگیرد و مثل قطعنامه تحمیل شود؟

- آیا الان ممکن است ضعفی در این مذاکرات صورت بگیرد و مثل قطعنامه تحمیل شود؟ بنده - با تفاوت فاحشی که وجود دارد - عرض می‌کنم، نه! قطعاً شرایط زمان ما اجازه نخواهد داد، آن مسأله رخ دهد.
- آن زمان بعضی‌ها می‌آمدند در نماز جمعه، و یک عباراتی بیان می‌کردند که «بله، لازم بوده است...» لذا هم حزب‌اللهی‌ها و هم غیر حزب‌اللهی‌ها می‌گفتند: «سَلَمْنَا!» و مسأله تمام می‌شد. ولی الان چگونه می‌توانید به این جوان‌های ما با یک تحلیل ضعیف و سطحی، خیلی چیزها را تحمیل کنید؟! مگر امثال آقای مهدی مطلبی‌ها در میان طلبه‌ها و دانشجویان ما - حتی غیر از طلبه‌ها و دانشجویان - کم هستند؟!
- الان مگر هر کسی که چهره و وجهت حزب‌اللهی‌گری داشته باشد، همه حزب‌اللهی‌ها سخن او را می‌پذیرند؟! الان شرایط ما خیلی با دوران دفاع مقدس فرق کرده است. سطح آگاهی و تحلیل مردم افزایش پیدا کرده است. آن زمان چهار تا بچه مذهبی، وقتی می‌خواستند یک مجله راه بیندازند، موانع زیادی جلوی آنها قرار داشت. ولی الان هر کسی با یک تلفن همراه خودش بدون اینکه هزینه چاپ، داشته باشد می‌تواند پیام خودش را به میلیون‌ها نفر برساند. الان چگونه می‌توان مردم را خام کرد؟!

اگر ما یک‌ذره کوتاه بیاییم، کربلا و نجف در معرض خطر نهایی قرار می‌گیرد

- اگر بگوییم: در آن زمان، هشت سال دفاع مقدس در میان برخی اقشار، یک فرسودگی‌هایی ایجاد کرده باشد، الان دقیقاً برعکس است. جوان‌های ما مکرر می‌گویند که «ما می‌خواهیم برویم و جزء مدافعین حرم باشیم» یعنی سلحشوران می‌خواهند از حرم اهل‌بیت(ع) دفاع کنند. همه ما می‌دانیم که اگر ما یک‌ذره کوتاه بیاییم، کربلا و نجف در معرض خطر نهایی قرار می‌گیرد.
- در آن زمان، صدام وقتی حرم به حضرت ابوالفضل(ع) می‌رفت، لاقلاً کفش‌های خودش را در می‌آورد(و ظاهر را حفظ می‌کرد) ولی الان شرایط خیلی متفاوت شده است.

برخی خیال خام دوران تحمیل جام زهر را دارند، ولی الان اصلاً آن شرایط نیست/ قدرتی در میان مردم ما نهفته است که به یک اشاره رهبر وابسته است

- بعضی‌ها که خیال خام آن دوران را دارند که می‌توانستند جام زهری تحمیل کنند، الان اصلاً آن شرایط نیست و امکان ندارد. این ملاحظات را حتی دشمنان ما هم دارند. شرایط جدید ما واقعاً متفاوت است، و همه می‌دانند که هر چه در مقابل این جریان مذاکره، جامعه ما با حکمت و تدبیر برخورد می‌کند یقیناً به خاطر اشاره‌های مقام معظم رهبری است. قدرتی در میان این مردم نهفته است که این قدرت به یک اشاره وابسته است که بیرون بریزد و بساط استکبار جهانی را به هم بریزد.
- ان‌شاءالله خداوند این مذاکرات را برای جامعه ما ختم به خیر کند و این امتحان مقاومت را از ما به خوبی بگیرد؛ یعنی امدادهای غیبی خودش را برای کمک به ما بفرستد و ما بتوانیم این امتحان مقاومت را به خوبی پس بدهیم. و دولتمردان ما هم بتوانند سرافراز بیرون بیایند.

ما دوست نداریم نام احدی از دولتمردان ما در تاریخ به بدی یاد شود/ کار دولتمردان تمام شد، نوبت مجلس‌مردان است

- ما دوست نداریم نام احدی از دولتمردان ما در تاریخ به بدی یاد شود. هیچ کسی دوست ندارد به هر دلیلی، ننگی برای احدی از سیاستمداران جامعه ما در تاریخ ثبت شود. در اینجا بحث جناحی نیست. کما اینکه ما دوست داریم تمام کسانی که با هر دین و مذهبی، در تیم‌های ورزشی به نام پرچم ایران در دنیا مسابقه می‌دهند، پیروز شوند. چون در نهایت سه به هیچ، به نفع جبهه حق است. کسی بخیل نیست که این افتخار را کسی برای خودش بردارد. ان‌شاءالله این افتخار را به نام خودشان ثبت کنند و بتوانند شایسته اقتدار این ملت عمل کنند.
- دولتمردان به هر طریقی، وظیفه خودشان را انجام داده‌اند و حالا نوبت مجلس‌مردان ماست که وظیفه دولتمردان را تکمیل کنند. ان‌شاءالله که ما را در این امتحان مقاومت روسیاه نکنند. این مقاومت اگر در صفحه کاغذ هم صورت بگیرد، آثار بابرکتی خواهد داشت که همه ما از آن آثار بهره‌مند خواهیم شد. و اگر این مقاومت صورت نگیرد، پناه می‌بریم به خدا؛ اگر خدا بخواهد به جامعه‌ای که اهل مقاومت نیستند، غضب کند.

اگر تعداد مظلومین از ظالمین بیشتر باشد، دعای‌شان مستجاب نمی‌شود

- پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: دعای مظلومان تا وقتی که تعدادشان کمتر از ظالمان است مستجاب می‌شود. اما بعد از اینکه تعداد ظالمان از مظلومان کمتر شد، دیگر دعای مظلومان مستجاب نمی‌شود. (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْتَجِيبُ لِمَظْلُومِينَ، مَا لَمْ يَكُونُوا

أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَإِذَا كَانُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ؛ الفردوس/۱/۱۴۹/۵۳۸) (حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ری شهری، ج ۱۰، ص: ۲۷۹) چون می‌فرماید: برای چه نشسته‌اید و دعا می‌کنید؟ بلند شوید و بجنگید!

- ما تازه می‌فهمیم که چرا در زمان جنگ وقتی دعا می‌کردیم که «خدایا صدام را بکش!» دعای مان مستجاب نمی‌شد! خُب جمعیت ما از آن ظالمین بیشتر بود و باید دفاع می‌کردیم، و الحمدلله مدافعین ما افتخار آفریدند و از صدقه سر آنها، ما داریم زندگی می‌کنیم. و الان هم واقعاً تعداد جبهه اسلام بیشتر است. مثلاً الان مردم یمن، تعدادشان از ظالمین آل سعود، بیشتر است. گویا در آخرالزمان خداوند می‌خواهد این‌گونه عمل کند.

الان تعداد افراد جبهه حق، بیشتر است و همه اینها پشتوانه مذاکرات هستند / منتقدین مذاکرات، یاران اول مذاکرات هستند که قدرت چانه‌زنی را افزایش می‌دهند

- تعداد افراد جبهه حق، الان بیشتر است، و همه اینها پشتوانه مذاکرات هستند؛ حتی کسانی که در کشور، مخالفت‌ها و نقدهایی برای مذاکرات دارند، اینها یاران اول مذاکرات هستند. اینها در واقع با فشاری که وارد می‌کنند، دارند قدرت چانه‌زنی ما را افزایش می‌دهند. البته ممکن است بعضی‌ها به کسانی که منتقد هستند، بی‌مهری کنند، اما شما مطمئن باشید، نقش کسانی که منتقد هستند در تاریخ ثبت خواهد شد؛ پررنگ‌تر از هر جریان دیگری. این در تاریخ باقی خواهد ماند و راه را به همه نشان خواهد داد.
- ما برای نابودی ظلم دعا می‌کنیم ولی باید این تذکر را هم داشته باشیم که اگر تعداد مظلومین بیشتر از ظالمین باشد، دیگر مشکل‌شان با دعا حل نمی‌شود، بلکه باید دعوا کنند و در دعوا محکم بایستند تا دشمن عقب‌نشینی کند. چون این دشمن مثل سگِ هاری است که تا وقتی چوب محکمی بر سرش نکوبید، پاچه شما را رها نمی‌کند. و اگر از مقابلش فرار کنید، به شما حمله می‌کند.

